

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۲ اگست ۲۰۱۶

## امریکا- قطبی شدن و بشکۀ باروت



جیمز پتراس

ما در دورانی زندگی می کنیم که سیستم موجود پوسیده و در حال سقوط، و نارضایتی توده ئی در حال رشد است. با این حال، یک دوره زمانی وجود دارد که «جایگزین» دست نیافتنی و نا ملموس به نظر می رسد. چیزی که کاملاً روشن است این است که سقوط و پوسیدگی محض، به خودی خود شورش گسترده توده ئی ایجاد نمی کند که یک جامعه عادلانه بسازد... اگر دادگاه ها، روند انتخابات و دولت پولیسی به عنوان یک گروه سه نفره، فراتر از دسترس اکثریت قریب به اتفاق شهروندان امریکائی عمل می کنند، پس بنابراین، مردم به روش ها و صداهای دیگری روی می آورند که این استبداد نخبگان را به نبرد فرا خوانند و شرایط را تغییر دهند.

\*\*\*\*\*

### مقدمه:

سبک کار قانون اساسی امریکا، به گونه ای که وجود دارد، با یک بحران عمیق مشروعیت روبه روست، که در چند قطبی بودن جامعه امریکا ریشه دارد. امریکا تقسیم شده است بین: (۱) یک دولت متجاوز عمیقاً پولیسی- قضائی وابسته به ریاست جمهوری علیه جامعه مدنی سازمان یافته در جامعه ای که بر مبنای کار کارگران افریقائی – امریکائی، اسپانیائی محروم است؛ (۲) یک پولیس فدرال، سیستم قضائی، وزارت امور خارجه و دفتر ریاست جمهوری فاسد، علیه یک نظام حقوقی مطابق قانون اساسی که مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق شهروندان است؛ و (۳) یک سیستم انتخاباتی ریاست جمهوری متقلب علیه تصدیق و رضایت اکثریت رأی دهندگان. اختلافات در جامعه امریکا به مراتب فراتر از ابراز «نظر» در رأی گیری و نظرسنجی است.

پولاریزاسیون (قطبی شدن) در ابراز اعتصابات توده‌ئی خیابانی، رأی دهندگان به «طرده» و حملات خشونت آمیز دیده شده است. آیا آنها به سوی یک قیام ملی می روند؟ مقامات دولتی وضعیت را مانند «یک بشکه باروت توصیف می کنند که در آستانه انفجار قرار دارد.»

### بازار چهره های کلاه بردار

نخبگان حاکم وانمود می کنند که قطبی شدن تحت کنترل است. پرزیدنت اوباما درگیر التماس های لفظی بیفایده است که هیچ کس را تحت تأثیر قرار نمی دهد (کسی برایش تره هم خرد نمی کند).

فساد، فریب و خیانت در مقامات بالا به حدی شایع است که مصونیت از مجازات تبدیل به اختیارات و صلاحیت ها شده است. فعالترین شهروندان مشروعیت سیاستمداران را انکار می کنند و همه آنها را به عنوان «فاسد» رد می کنند. سیستم انتخاباتی بازار عظیمی از لبخند خطا کاران، پوچی و وعده های خالی است... که قبل از آن که آنها صحبت بکنند شکسته است.

اگر دادگاه ها، روند انتخابات و دولت پولیسی به عنوان یک گروه سه نفره، فراتر از دسترس اکثریت قریب به اتفاق شهروندان امریکائی عمل می کنند، پس بنابراین، مردم به روش ها و صداهای دیگری روی می آورند که این استبداد نخبگان را به نبرد فرا خوانند و شرایط را تغییر دهند.

### بشکه باروت در درون امریکا است

در حالی که مجموع ثروت بسیار زیاد، امتیازات و قدرت نخبگان افزوده می شود، که مردم امریکا از دو دهه کاهش در استاندارد زندگی و بی ثباتی رنج می برند. انتظار منفعل و صبر و شکیبائی پایان یافته است – وعده های آینده بهتر بر روی سنگ گوشه های کر افتاده است و لبخند های پوچ با چهره های عبوس روبه رو می شود.

اولین نشان از «بشکه باروت» با صدای بلند ترقه آغاز شد. جوانان و امیدواران به سوی حمایت از «سوسیال دمکرات» داخل خانه و «میهن پرست ملی گرای» خارج از خانه تبدیل شده بودند. «ترقه ها» به ناگهان منفجر شدند و از بین رفتند! سنررز که به حامیان خود وعده آغل دمکراتیک داده بود، در آغوش خون آشام «ملکه آشوب»، کاندید دو دهه فریب و نیرنگ نوب شد. در همین حال، طبقه کارگر میهن پرست طرفداران ترامپ به دربان های بانک داران، بوق و کرناهی کتاب مقدس و مزدوران جمهوری خواه تبدیل شدند.

جدول انتخاباتی در تعدیل (مرطوب کردن) بشکه باروت شکست خورد. در سراسر کشور تعداد زیادی آتش سوزی وجود دارد و بسیاری از آتش افروزان مصمم قتیله را روشن می کنند.

### پیامبر دروغین عدالت: افشاء شد

خلاف «انفجار» سخنان بیهوده انتخاباتی میان کینه رأی دهندگان، جوامع سیاه و قهوه ئی از آرتیست های کلاه بردار سیاسی، قضات و رؤسای پولیس دستور راهپیمائی نمی گیرند. آنها از پیامبران سیاستهای انتخاباتی دروغین پیروی نمی کنند. شمار آنها رو به رشد است و برای مبارزه به خیابانها می آیند.

پرزیدنت اوباما در هشت سال گذشته با رها ساختن نیروهای دولت پولیسی بسیار نظامی، در حالی از مقامات سیاسی سیاه پوست («رهبران به غلط») و پولیس سیاه قدرانی می کند، که جامعه سیاه پوست را به وحشت انداخته است و محلات و مدارس سیاه را ویران ساخته است. تعجبی ندارد که در محلات سیاه پوست تشدید قطبی شدن اجتماعی

گسترش یافته و عمیق تر شده است. ما به دهه های ۱۹۶۰ و ۷۰ برگشته ایم، زمانی که خشونت نژادی از دفتر رئیس جمهور تا دادگاه ها تا پولیس منجر به تحریک خشونت متقابل از پائین به بالا تا نخبگان شد.

### فتیله روشن

شورش با امریکائی های افریقائی تبار شروع می شود و با لاتین امریکائی ها و فراتر از آن در میان کارگران سفید پوست فقیر سیار گسترش خواهد یافت. رشد شورش طبقه کارگر سفید علیه دودمان فاسد کلینتن تا شورش مردمی علیه «آتش» سوسیالیست دروغین «برنی» مرتد گسترش یافته است تا بقیه سیستم سیاسی متعلق به میلیاردرها را در بر گیرد. اکثر امریکائی ها به این دلیل قطبی شده اند که آنها در ثبات اساسی هر روز از زندگی روزمره خود به حساب نمی آیند. آنها به استاندارد زندگی از دست رفته خود و به آینده تاریک و غیرقابل قبول خود – به ویژه جوانان و کودکان خود نگاه می کنند.

شورش امریکا چاشنی های گوناگونی دارد: اقتصاد اشرفیان، سیستم انتخاباتی فاسد و دولت پولیسی نظامی فاقد صفات انسانی.

سیستم انتخاباتی فاسد باهم بزرگترین تعداد صداهای خصمانه را در سراسر خطوط نژادی به ارمغان آورده است، که عمیقاً در تقسیمات طبقاتی رخنه کرده است.

قطبی شدن نژادی – پولیسی فوری ترین و انفجاری است. به احتمال زیاد منجر به تقابل مستقیم منجر شود.

طبقه کارگر سفید سیار فقیر بزرگترین گروه شورشی ست، اما در توسعه به آگاهی طبقاتی و سازماندهی کندترین بوده است. با این وجود، آنها بیشترین پتانسیل را برای سرنگونی سیستم دارند.

شورشی های سرخورده انتخاباتی (هواداران برنی) متعدد هستند و سریع عمل می کنند، اما آنها نیز راحت تر با شارلاتان ها و دروغ گویان سیاسی فریب می خورند.

### نتیجه گیری

تلاقی سیاه پوستان مبارز، رأی دهندگان فعال و سفید پوستان فقیر سیار تنها در شروع قیام بزرگ است. در عین حال، آنها «یکدیگر را» در زندگی، کار، همسایگی و یا زبان نمی بینند، حتی اگر آنها یک خصومت مشترک عمیق نسبت به مأموریت دولت پولیسی در حفاظت از نخبگان سیاسی و اقتصادی داشته باشند.

تحت چه شرایطی آنها می توانند گردهم آیند؟ در حال حاضر هیچ سازمانی وجود ندارد که قادر به وحدت این پویائی و نیروهای منتقد شود.

گروه های خود پدید ظهور می کنند، اما آنها گذرا و «یک مشکلی» هستند.

سازمانهایی که دارای پایگاه اجتماعی هستند، چشم انداز ستراتیژیک محدود خود را دارند و در ریشه محلات خاص باقی می مانند.

احزاب سیاسی جایگزین و شخصیت ها وعده می دهند، اما درگیر در سیاست های انتخاباتی هستند و از اقدامات مستقیم، جایی که شامل پولیس، دادگاه ها و یا سیستم اقتصادی است، فاصله می گیرند.

یک «رهبر کاریزماتیک» می تواند ظهور کند و حوزه های انتخاباتی مختلف را به هم وصل کند – کارگران فقیر سیار، سیاه پوستان مبارز و فعالان محروم سیاسی ممکن است در موردی به نقطه ای در اطراف چنین رهبری ادغام

شوند. اما در صورتی که «این رهبر» توسط یک جنبش قدرتمند سازمان ده مهار شده باشد و با فعالان جوامع رهبری بشود، در غیر این صورت تهدید به خیانت یک احتمال واقعی باقی می ماند. ما در دورانی زندگی می کنیم که سیستم موجود پوسیده و در حال سقوط، و نارضایتی توده ئی در حال رشد است. با این حال، یک دوره زمانی وجود دارد که «جایگزین» دست نیافتنی و نا ملموس به نظر می رسد. چیزی که کاملاً روشن است این است که سقوط و پوسیدگی محض، به خودی خود شورش گسترده توده ئی ایجاد نمی کند که یک جامعه عادلانه بسازد.

#### **درباره نویسنده:**

جیمز پتراس، استاد بارنل (بازنشسته) جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است. آدرس سایت اینترنتی:

<http://petras.lahaine.org/>

#### **برگردانده شده از:**

<http://petras.lahaine.org/?p=2093>